



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2024, 5(1): 63-71

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Role of Local Justice Approach in Iran's Criminal Justice

Ali Fakhrabadi *¹ 

Received:

07 Jan 2024

Revised:

26 Feb 2024

Accepted:

17 Mar 2024

Available Online:

21 Mar 2024

Keywords:

Local Justice,
Collaborative
Criminal Policy,
Restorative
Justice.

Abstract

Background and Purpose: Undoubtedly, one of the most important tasks of criminology, as an important branch of criminal science, is to improve the functioning of the criminal justice system. By passing through the classic schools of criminology and reaching the modern schools of criminology (1960s onwards) and by presenting theories such as labeling theory or criminal stigma from experts in the book “Social Pathology”, the justice system Governments have tried to solve the gaps and shortcomings of those in charge of detecting crimes, prosecuting and punishing criminals. Among the important measures that can be mentioned in this direction, is the collaborative criminal policy, which manifested itself in various manifestations in the criminal laws of the governments. Among these effects, we can mention the issue of restorative justice or local justice in the legislative policy of countries including Iran.

Materials and Methods: The method of this research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: All ethical principles governing research have been observed in the presentation of this article.

Findings and Conclusions: By involving the people and civil society in criminal justice, local justice, on the one hand, tries to place the victim as the main victim of the crime, tries to create peace and reconciliation between the offender and the victim, and on the other hand, tries to eliminate the disadvantages of justice. The criminality of governments should be removed. In the Criminal Procedure Law approved in 2013, Iran's legislature has for the first time accepted the issue of restorative justice in some minor crimes.

I BSc of Law and Software, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran. (Corresponding Author)*

Email: A.Fakhrabadi20@gmail.com Phone: +989982139032

Please Cite This Article As: Fakhrabadi, A (2024). “The Role of Local Justice Approach in Iran's Criminal Justice”. *Interdisciplinary Legal Research*, 5(1): 63-71.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

نقش رویکرد عدالت محلی در عدالت کیفری ایران

علی فخرآبادی*

۱. کارشناس حقوق و نرم‌افزار، کارشناس ارشد نرم‌افزار، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: A.Fakhrabadi20@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: بی‌شک یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جرم‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای مهم از علوم جنایی، بهبود بخشیدن به طرز کار و عملکرد نظام عدالت کیفری است. با عبور از مکاتب کلاسیک جرم‌شناسی و رسیدن به مکاتب نوین جرم‌شناسی (دهه ۱۹۶۰ به بعد) و با ارائه نظریاتی همچون نظریه برچسب‌زنی یا انگ مجرمانه از صاحب نظرانی همچون «آدمینگ لی مرت» در کتاب «آسیب‌شناسی اجتماعی»، دستگاه عدالت کیفری دولت‌ها در صدد رفع خلاءها و معایب متولیان کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمان برآمدند. از جمله اقدامات مهمی که می‌توان در این راستا اشاره نمود، سیاست جنایی مشارکتی است که در جلوه‌های مختلف در حقوق کیفری دولت‌ها خود را نمایان ساخت. از جمله این جلوه‌ها می‌توان به موضوع عدالت ترمیمی یا عدالت محلی در سیاست تقنینی کشورها از جمله ایران اشاره نمود.

مواد و روش‌ها: روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در تقریر این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: عدالت محلی با مشارکت دادن جامعه مردم و جامعه مدنی در امر عدالت کیفری از سویی درصدد محور قرار دادن بزه‌دیده به‌عنوان زیان دیده اصلی جرم، سعی در ایجاد صلح و سازش میان بزه‌کار و بزه‌دیده دارد و از طرف دیگر تلاش دارد تا معایب عدالت کیفری دولت‌ها برطرف شود. مقنن ایران نیز در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای نخستین بار موضوع عدالت ترمیمی را در بعضی از جرائم سبک و کم‌اهمیت مورد پذیرش قرار داده است.

کلمات کلیدی: عدالت ترمیمی، سیاست جنایی مشارکت‌محور، عدالت ترمیمی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

آیین دادرسی کیفری از آنجا که مرتبط با آزادی‌های افراد بوده و نتیجه آن می‌تواند مجازات یا عدم مجازات باشد افراد باشد و جنبه سرکوبگری دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. متهم از جهت برخورداری اصل برائت، اتهامی که به وی منتسب گردیده و لذا افزون بر در خطر بودن حیثیت و آبروی وی، آزادی او نیز با احتمال محدود شدن مواجه است، از طرفی شاکی نیز بدان جهت که بزه‌دیدگی او را در برابر سایر افراد ضعیف‌تر از قبل می‌کند و چه بسا آسیب‌های روحی و روانی و حتی آسیب‌های جسمانی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرفی زمانی که جامعه آماج جرم قرار می‌گیرد، امنیت و آسایش آن به مخاطره می‌افتد. ترمیم این آثار تمهیداتی شایسته را می‌طلبد (مصدق، ۱۴۰۱: ۱۵/۱). امروزه سیاست جنایی راه کارهای گوناگونی را در خصوص مقابله با پدیده‌های جنایی ارائه نموده است. برخلاف گذشته دیگر هدف از مجازات بزه‌کار صرفاً متحمل نمودن درد و رنج و یا انتقام‌جویی از وی نیست بلکه راه‌های علمی گوناگونی برای دست یافتن به مهم‌ترین هدف حقوق که استقرار و حفظ نظم جامعه است، مورد توجه همگان قرار گرفته است. در پرتو آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی چند تحول اساسی در قلمرو حقوق کیفری و سیاست جنایی روی داد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به گرایش نظام‌های مختلف عدالت کیفری از عدالت تنبیهی و سزادهنده به طرف عدالت ترمیمی و ایجاد ساز و کار برای نیل به این اهداف اشاره نمود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۲). به‌نوعی می‌توان عدالت ترمیمی را نشأت گرفته از نظریه حقوق فردی یا اصالت فرد دانست. مطابق این نظریه هدف قواعد حقوق تأمین آزادی‌های فرد، احترام به شخصیت و حقوق او است (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۳۳۴/۱) به عبارتی دیگر در مکتب اصالت فرد آنچه اصالت دارد فرد است؛ اگر جرمی واقع می‌شود اثرات آن بیش از جامعه بر فرد بزه‌دیده است و در پرتو حمایت جامعه بزه‌دیده می‌تواند با مجرم به مذاکره بنشیند و درخصوص آثار آن به توافق برسند. عدالت ترمیمی را می‌توان دستاورد بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که در هر حال بزه‌دیده را مستحق حمایت و کمک می‌داند دانست (نجفی

توانا، ۱۳۹۹: ۹۹) علی‌رغم همه محاسنی مانند، کمک به بهبودی و کارایی نظام عدالت کیفری از طریق قضازدایی، کاهش هزینه‌ها و توروم جمعیت کیفری، جلوگیری از اطاله دادرسی و محوریت قرار دادن بزه‌دیده به‌عنوان کانون اصلی آسیب‌دیده از جرم، برای این سیاست جنایی برشمرده‌اند، عدالت ترمیمی یا بزه‌دیده مدار در مواردی ناقص برخی از اصول حاکم بر محاکمات جزایی است از جمله، مخالف بودن با اصل برائت، حق آزادی پیش از محاکمه و محکومیت، عدم توجه به شرایط و اوضاع احوال بزه‌کار و عدم توجه کافی به خسارات وارد شده به آحاد جامعه. پس از بیان مقدمه ورود به مبحث اصلی مقاله نموده و در ابتدا به تعاریف عدالت ترمیمی، مبنای آن، اهداف و اصول حاکم بر این رویکرد نوین سیاست جنایی پرداخته خواهد شد و سپس به نقد عدالت ترمیمی یا بزه‌دیده مدار و در انتها نیز به جایگاه آن در نظام کیفری ایران، به گفتگو خواهیم نشست.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است.

بحث و نظر

۱- مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی با توجه به آنچه که در قطعنامه مورخ ۱۲/۲۰۰۲ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تحت عنوان «اصول اساسی راجع به استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در امور کیفری» آمده است، عبارت است از «فرآیندی که به موجب آن بزه‌دیده و بزه‌کار و در صورت لزوم، هر فرد یا عضوی از اعضای اجتماع که در نتیجه ارتکاب جرم متأثر و متضرر گردیده است، به‌طور فعالانه و معمولاً با کمک یک تسهیل‌کننده (یا مجری) در حل‌وفصل مسائل، مشکلات و اختلافات ناشی از جرم مشارکت می‌نمایند. فرآیندهای ترمیمی ممکن است در برگیرنده میانجیگری، صلح و سازش، نشست‌های خانوادگی و حلقه‌ها یا محفل‌های صدور حکم باشد».

تعریف دیگری که از عدالت ترمیمی بیان شده چنین است: «عدالت ترمیمی شرکت داوطلبانه و فعال همه اشخاص درگیر یا ذی‌حق در جرم را می‌طلبد که همکاران به‌دنبال پاسخی ترمیمی برای صدمه‌دیدگان و خسارت‌دیدگان یعنی در واقع قربانیان

۱-۲- شرمندسازی باز اجتماعی کننده

آقای «جان برایث ویت» استرالیایی کوشیده است با نظریه شرمندسازی باز اجتماعی کننده، این رویکرد را توجیه نماید. این نظریه بیانگر این است که شرمندسازی باز اجتماعی بزهکاران به وسیله خانواده‌ها، همسایگان و دوستان و همکاران، برخلاف «شرمندسازی رسوا کننده» که منجر به از بین بردن و گسستن روابط اخلاقی و معنوی میان بزهکاران و جامعه می‌شود، به تقویت این روابط کمک می‌کند و در نهایت منجر به کنترل بیشتر و مؤثرتر جرم شده و بزهکار را وادار می‌کند تا بار دیگر تلاش کرده و خود را به‌عنوان شهروندی مطیع قانون در آورد (Sherman & Strang, 1997:1). به عبارت دیگر این نظریه بر این متکی است که عدالت ترمیمی همچون محافل دوستانه است که در آن با مشارکت فرد بزهکار و ارزیابی عملی که انجام داده، مجرم پی می‌برد که رفتارش اشتباه بوده و بدون هیچ کینه‌توزی و سرافکنندگی از سوی جامعه به آغوش آن باز می‌گردد.

۲-۲- کنترل اجتماعی

مطابق نظریه مذکور که توسط «تراویس هیرسچی» مطرح شد، هر چقدر وابستگی انسان به گروه‌های اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان بیشتر باشد، کمتر مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند. به عبارت دیگر بزهکاری حاصل گسستی است که در علقه‌ها، ارتباطات و وابستگی‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. این پیوندها، علقه‌ها و قیود اجتماعی عناصر و ابعاد مختلفی دارند که مهم‌ترین عنصر در این علقه‌ها و ارتباطات «وابستگی عاطفی» است. این عنصر در حقیقت بیانگر این است که هر چقدر پیوستگی‌ها و پیوندهای انسان نسبت به افراد مهم دیگر مثل والدین، دوستان یا نهادها همانند مدرسه و باشگاه بیشتر باشد، کمتر مرتکب جرم می‌شود (ویلیامز و ماری، ۱۳۸۶: ۲۱۰). این نظریه به‌خوبی به یکی از مهم‌ترین اهداف رویکرد عدالت ترمیمی که ترمیم گسست‌ها و شکاف‌هایی ناشی از جرم در علقه جامعه و میان بزهکار و بزه‌دیده است، اشاره دارد.

مستقیم و غیر مستقیم اختلاف، تعارض و تضاد ناشی از ارتکاب جرم هستند» (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۱۴۹) از این‌رو است که جریان عدالت را برخلاف عدالت کیفری کلاسیک که از بالا (دولت) به پایین (بزهکار) است و جنبه یک سویه، تحمیلی و عمودی دارد، افقی و توافقی نام نهاده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۳۱).

با عنایت به تعاریف فوق می‌توان عدالت ترمیمی را نوعی رویکرد مقابله با پدیده جنایی دانست که در آن سعی شده است بزه‌دیده را به‌عنوان محور و کانون آسیب‌ها و صدمات ناشی از جرم مورد توجه قرار دهد و با صلح و سازش میان بزه‌دیده و بزهکار، سعی در جبران خسارات وارده به بزه‌دیده اعم از مادی و معنوی و بازگشت شخصیت آسیب‌دیده وی دارد. از دیدگاه عدالت ترمیمی پس از ارتکاب جرم، سعی بر این نیست با مجازات بزهکار او را به سزای عمل خویش برسانیم یا جامعه با مجازات کردن وی او را اصلاح کند و باعث عبرت آموزی دیگران شود، بلکه زمانی جرمی رخ می‌دهد، بزه‌دیده بیش از همه مورد آسیب‌های روحی و روانی قرار می‌گیرد و بایستی بزهکار را ملتزم به جبران خسارت وارده نمود.

۲- مبانی جرم شناختی عدالت ترمیمی

همانطور که بزرگان حقوق همچو دکتر ناصر کاتوزیان بیان فرمودند، شناختن مبانی موضوعی جز با تشخیص هدف آن امکان ندارد. پس بایستی توجه نمود مباحثی که ذیل مبانی عدالت ترمیمی ذکر می‌شوند از اهداف آن دور نیستند و با یکدیگر ارتباط ناگسستی دارند.

از آغاز پیدایش عدالت ترمیمی به‌عنوان یک رویکرد جدید در سیاست جنایی در سال ۱۹۷۷ تاکنون تلاش‌های زیادی از طرف جرم‌شناسان برای تبیین مبانی نظری این رویکرد صورت گرفته است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۳). در ذیل به اهم این نظرات به‌صورت خلاصه و تا آنجا که به موضوع مقاله ارتباط دارد پرداخته خواهد شد.

۲-۳- اهداف عدالت ترمیمی

همانگونه که اشاره شد مبنای هر موضوع جزء لاینفک اهداف آن را تشکیل می‌دهند. بنابراین اهداف رویکرد عدالت ترمیمی جدای از مبنای آن نیست با توجه به موارد فوق می‌توان موارد ذیل را به عنوان اهداف این رویکرد برشمرد:

- ترمیم روابط آسیب دیده میان بزه‌دیده و بزهکار و سرانجام برقراری صلح و سازش میان آنها (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۵۵):

- جبران خسارات مادی و معنوی وارده به بزه‌دیدگان ناشی از جرم با محوریت قراردادن بزه‌دیده در این رویکرد؛

- احیای جایگاه، موقعیت و نقش بزه‌دیدگان و بزهکاران و جامعه در اجرا و مدیریت عدالت کیفری (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۱):

- احساس پیشمانی بزهکار و بیدار کردن وجدان وی جهت جلوگیری از ارتکاب جرایم در آینده توسط او؛

- حفظ آبرو و حیثیت بزهکار و عدم تخریب کردن شخصیت وی از طریق حل کردن اختلافات با گفتگو و سازش میان بزهکار و بزه‌دیده؛ و

- کمک به سیستم عدالت کیفری در جهت رسیدگی به جرایم از طریق صلح و سازش و جلوگیری از اطاله دادرسی و تورم جمعیت کیفری.

۳- اصول حاکم بر عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی در عین حال که یک سیاست و راهکار عملی برای مبارزه با مشکلات ناشی از بزهکاری است، یک رویکرد و نگرش جدید هم است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸). به عبارت دیگر، همانگونه که «هوارد زهر» -جرم‌شناس انگلیسی- می‌گوید: «عدالت ترمیمی نه یک اقدام یا مجموعه‌ای از اقدامات بلکه یک «فلسفه» است؛ روش نوین نگرش نسبت به جرم و پاسخ به آن است» (غلامی، ۱۳۸۵: ۱۱). بر این اساس عدالت ترمیمی بر یک سلسله اصولی مبتنی است که اهم آنها عبارت‌اند از:

- از دیدگاه عدالت ترمیمی، جرم رفتاری است مخل روابط انسان‌ها که باعث تعدی و تجاوز به حقوق افراد در جامعه می‌شود. به عبارتی دیگر عدالت ترمیمی بر خلاف عدالت کیفری سنتی که جرم را فی‌نفسه و بالذات مخل نظم و امنیت جامعه می‌داند، جرم زبانی است که بزهکار به بزه‌دیده وارد می‌سازد.

- عدالت ترمیمی عدالتی است مبتنی بر صلح و سازش و مصالحه از طریق گفتگو و مشارکت تمامی سهامداران عدالت کیفری اعم از بزه‌دیدگان، بزهکاران و نمایندگان جامعه و میانجیگری کیفری بین آنها.

- تعدی و تجاوز موجب ایجاد تعهد و مسؤولیت برای بزهکار و جامعه است. این تعهد و مسؤولیت در عدالت ترمیمی، برخلاف عدالت کیفری سنتی، تعهد و مسؤولیتی است ترمیمی، جبران کننده و احیاء کننده (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

در این رویکرد، بزهکار در این فرایند یک وصله کربه اجتماع با سرشت تبیهکارانه نیست که فقط مناسب برچسب خوردن و اعمال نقش بزهکاری و تحمل کیفر باشد. بلکه وی نیز بیش از هر چیز یک انسان بوده و دارای قابلیت و استعداد و شخصیت و منزلت انسانی است که اگر به وی فرصت کافی برای جبران خطا و اشتباه گذشته داده شود و با وی برخورد انسانی شده و درک انسانی شود، نتایج بهتر و عملکرد بهتری را از خود نشان می‌دهد. بزه‌دیده نیز فقط شخصی نیست که عملکرد بهتری برای تکمیل دلایل بزهکاری حداکثر به عنوان شاهدی برای نقض قانون جزا مورد استفاده قرار گیرد، بلکه بزه‌دیده یک شخصیت واقعی انسانی است که حرف‌هایی برای گرفتن و شنیدن دارد و به موقعیت و مکان ویژه‌ای برای ابراز آنها احتیاج دارد (عباسی، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

۴- مدل‌های عدالت ترمیمی

در طول تحولات عدالت ترمیمی دو جهت کیفری برای آن بیان شده است که در ذیل به اختصار مورد توجه قرار خواهند گرفت.

۴-۱- جهت‌گیری افراطی و ناب‌خواه یا مدل‌الگاگرایی

از جمله مدافعان این نظریه را می‌توان «لوک هولمسن» هلندی است که نظام کیفری سنتی اعم از بازدانه و سزادهنده را به شدت مورد نکوهش قرار می‌دهند. آنان معتقدند «به منظور اجتناب از معایب و ایرادهای فروان نظام عدالت کیفری باید به‌جای حقوق کیفری از سیستمی استفاده شود که کمتر جنبه الزام و اجبار و رسواکنندگی داشته باشد. در این سیستم، استفاده از ضمانت‌های اجرای حقوق مدنی و اداری برای تضمین حفظ نظم اجتماعی کفایت می‌کند» (گسن، ۱۳۷۰: ۳۵). یکی از ویژگی‌های مهم الگاگرایی یا ناب‌خواه در موضوعیت بخشیدن به فرآیندهای ترمیمی است. طرفداران این مدل عدالت ترمیمی را بیش از آنکه نتیجه محور بدانند، آن را فرآیند محور تلقی می‌کنند و بر همکاری و تعامل میان ذی‌نفعان و سهامداران در اختلافات و دعاوی کیفری تأکید می‌کنند. آنان عقیده دارند تحقق اهداف عدالت ترمیمی در اجرای دقیق و درست فرآیندهای ترمیمی که فرآیندی مشارکتی و داوطلبانه است، محقق می‌شود (Habibi, 2018: 53). به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که ناب‌خواهان عقیده دارند عدالت ترمیمی باید در طی زمان جایگزین عدالت کیفری کلاسیک شود. در واقع بر مبنای این دیدگاه نظام عدالت کیفری بایستی حذف شود و تمامی جرایم را تحت عنوان «اختلاف میان افراد» مطرح گردد و از طریق صلح و سازش میان طرفین حل و فصل شود.

۴-۲- جهت‌گیری بیشینه‌خواه یا مدل اصلاح‌طلب

این دیدگاه در جهت اصلاح و محدود کردن رویکرد عدالت ترمیمی به جرایم سبک و کم اهمیت، ارائه شد. به عبارتی دیگر پس از ایراداتی همچون عدم توجه کافی به جامعه در جرایم سنگین و عدم ضمانت اجرای مناسب، به مدل جهت‌گیری افراطی، مطرح شد. در واقع مدل اصلاح‌طلب و بیشینه‌خواه در مقام آن است که اصل را بر استفاده از رویکرد ترمیمی در رسیدگی به دعاوی و اختلاف‌های ناشی از جرم قرار دهد و در مواردی که امکان استفاده از فرآیندهای ترمیمی با مشکل مواجه می‌شود، از ابزارهای عدالت کیفری سنتی استفاده کند تا در هر حال اختلاف‌های ناشی از جرم حل و فصل گردیده و خاتمه یابد (سماواتی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). از

نظر بیشینه‌خواهان به جای اینکه عدالت ترمیمی را در قالب فرآیند تعریف کنیم، باید آن را در قالب نتیجه ارزیابی نماییم، زیرا هدف مدل ترمیمی تلاش برای تضمین جبران انواع خسارت ناشی از جرم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۳۱).

۵- نقدهای وارده بر رویکرد عدالت ترمیمی

علی‌رغم محاسن و اهدافی که برای عدالت ترمیمی بیان شده است و ما نیز سعی نمودیم در حد ممکن و تا آنجا که در حیطه این مقاله بود به آنها اشاره کنیم، این رویکرد دارای معایبی است که به نظر نگارنده قابل اغماض نیستند و انتقادهای کاملاً به حقی به آن وارد شده است. در ذیل به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

- یکی از مهم‌ترین حقوقی که در همه سیستم‌های عدالت کیفری به آن اشاره شده، حق برخورداری از امتیازات ناشی از فرض بی‌گناهی متهم است. بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر کس به ارتکاب جرم متهم شود، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این که تقصیر او طبق قانون محرز شود.» البته این فکر را بایستی از ذهن زدود که این حق ابتدا توسط اعلامیه حقوق بشر به رسمیت شناخته شده زیرا دین مبین اسلام ۱۴ قرن پیش از این، آن هم در سرزمینی که از حیث درجه مدنیت مادی قابل مقایسه با تمدن‌های باستانی نبود مورد توجه قرار گرفته داده است (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۲۱). اسلام برای نخستین بار، اصل برائت را از طریق قاعده «درأ» و «قبح عقاب بلایبان» جاری ساخت. این حق در اصل ۳۷ قانون اساسی و همچنین در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است؛ با این حالی این شیوه حل اختلاف بر فرض ارتکاب جرم توسط فرد مظنون متکی است. به عبارت دیگر به گونه‌ای با متهم برخورد می‌شود و بزه‌دیده را کانون توجه خود قرار می‌دهد که گویی فرد متهم، مجرم است در صورتی که طبق اصل فوق‌الذکر در صورتی می‌توان فردی را مجرم تلقی نمود که جرم او در دادگاه صالح به اثبات رسیده و حکم قطعی محکومیت وی نیز صادر شده باشد.

- یکی دیگر از شاخصه‌های دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم، «حق رسیدگی عادلانه» می‌باشد. در همین راستا بند

با موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین مناسب، حداکثر دو ماه به متهم مهلت بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی اقدام کند. قانونگذار با ذکر عبارت «به درخواست متهم» در صدر ماده سعی بر این داشته که اگر متهم فکر می‌کند رفتار او جرم نیست یا وی مرتکب جرم نشده، از برطرف نمودن اختلاف از طریق صلح و سازش خودداری کند، به عبارتی ساده‌تر، قانونگذار سعی بر این داشته یکی از نقدهای وارده بر رویکرد عدالت ترمیمی که مخالف بودن با اصل برائت است را برطرف نماید. همچنین ذکر جرائم تعزیری درجه «شش، هفت و هشت» و جرایم «قابل تعلیق» در صدر ماده مذکور به‌وضوح بیان‌گر این است که قانونگذار رویکرد عدالت ترمیمی را در جرایم سبک و قابل اغماض مجاز نموده و از اثرات جرم به جامعه غافل نبوده است. ماده ۸۳ همین قانون نیز در خصوص اعتبار نظر میانجی‌گر، به توافق طرفین تأکید کرده است و به هر حال، صورت مجلس توافق شده بین اصحاب دعوا باید تنظیم و نزد مقام قضایی ارجاع داده شود. همچنین مباحث مربوط به چگونگی میانجیگری و انتخاب شخص یا اشخاص میانجیگر، مطابق ماده ۸۴ قانون مذکور به آیین‌نامه واگذار شده است. این ماده بیان می‌دارد: «چگونگی انجام دادن کار در مؤسسات عام‌المنفعه موضوع بند (ج) ماده (۸۲) این قانون و ترتیب میانجیگری و شخص یا اشخاصی که برای میانجیگری انتخاب می‌شوند، موضوع ماده (۸۲) این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» و سرانجام آیین‌نامه اجرایی آن در ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ به تصویب رسید و اجرایی شد.

نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی به‌عنوان یکی از راه‌کارهای نوین سیاست جنایی در برخی از کشورها به‌ویژه ایران، مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته است. با این حال با همه محاسنی که بر آن رویکرد شمرده‌اند، به‌نظر نگارنده نمی‌توان یک راهکار مؤثر برای مقابله با پدیده جنایی شد. از طرفی تمام جرائم هر چقدر هم جنبه خصوصی غلبه بر جنبه عمومی آن داشته باشد، نمی‌توان آسیبی که به جامعه وارد می‌شود را نادیده

نخست ماده ۱۴ بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره دادرسی منصفانه آمده است که: «همه در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند...». حال پرسشی مطرح می‌شود: زمانی که مطابق رویکرد عدالت ترمیمی به گفتگو و سازش میان اصحاب دعوا پرداخته می‌شود آیا در همان ابتدا فرض را بر مجرم بودن متهم قرار نمی‌دهیم؟ آیا با متهم به‌گونه‌ای برخورد نمی‌کنیم که گویی او مجرم است؟

- رویکرد عدالت ترمیمی با محوریت قرار دادند بزه‌دیده باعث شده هیچ توجهی به بزه‌کار و شرایط اقتصادی، روحی و روانی او نشود و همین امر می‌تواند سبب ارتکاب مجدد جرم توسط وی گردد.

- توجه نمودن به نقش بزه‌دیده و سهم وی در وقوع جرم و همچنین نظر به اتکای این رویکرد بوجود شخص ثالث به‌عنوان میانجی، توفیق یا عدم توفیق این روش بیشتر به هنر و توانمندی شخص میانجی بستگی دارد که خود مستلزم دانش و بینش خاصی در نزدیک کردن نظرات اصحاب جرم و تضعیف وجوه افتراق آنان می‌باشد. یافتن چنین فردی چندان آسان به‌نظر نمی‌رسد (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۵۱).

- عدم توجه رویکرد عدالت ترمیمی به آثار وارده ناشی از جرم به جامعه. به این معنا که این رویکرد با در نظر گرفتن ماهیتی خصوصی برای جرائم و تعریف آن به‌عنوان «اختلاف میان افراد»، آسیبی که به سبب وقوع جرم به جامعه وارد شده است را در نظر نمی‌گیرد.

۶- جایگاه عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران

قانون‌گذار برای نخستین‌بار در مواد ۱، ۸۲ و ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، عدالت ترمیمی را در موضوعات کیفری به رسمیت شناخت. ماده ۸۲ قانون فوق‌الذکر بیان می‌دارد: «در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با أخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند.» این ماده به مقام قضایی اختیار داده که به درخواست متهم و

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- گرفت. قانون‌گذار به زیبایی به این موضوع در ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نموده است. مطابق ماده مذکور: «محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است می‌تواند دو حیثیت داشته باشد...». به عبارتی دیگر هم‌چنان که آقای ویلی، استاد فرانسوی، هدف حقوق را بر مبنای منفعت اجتماع، «نظم» و «صلح اجتماعی» و «حرکت و تعالی انسانیت» تقسیم می‌کند، این اهداف جزء با مداخله مستقیم دولت و توجه به حقوق آسیب دیده جامعه ناشی از جرم تحقق پیدا نخواهد کرد. هم‌چنین برای اجرایی کردن فرایند عدالت ترمیمی در اکثر کشورها، نقطه آغازین از مداخله مقام انتظامی و یا قضایی که خود با توجه به تبعات و آثاری که در نقدهای عدالت ترمیمی مورد اشاره قرار گرفت، فرض بی‌گناهی را به ضرر مشتکی عنه و به نفع بزه‌دیده ادعایی به چالش می‌کشد. در واقع با مداخله کارگزاران رسمی و قبول پیمایش فرایند دادگری ترمیمی، بار پذیرش تبعات جرم متوجه فرد مظنون شده و در صورت عدم حصول سازش و توافق و جلب نظر بزه‌دیده که در این شرایط متوقع‌تر نیز خواهد شد، به‌نوعی در اعاده پرونده به مراجع رسمی، پذیرش اتهام و محکومیت بسیار محتمل خواهد بود، متأسفانه تشریفات مربوط به شروع فرایند عدالت ترمیمی توسط مراجع قضایی ایران مصرحه در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ مهر تأییدی بر وجود چنین ایراداتی است.
- ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل پژوهش حاضر؛ صداقت و امانتداری رعایت شده است.
- تعارض منافع:** در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.
- سهام نویسندگان:** نگارش مقاله منفرداً توسط نویسنده صورت گرفته است.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.
- اردبیلی، محمد علی (۱۴۰۰). *کلیات حقوق جزا*. چاپ ششم، تهران: نشر میزان.
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۵). *تاریخ تحولات حقوق کیفری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- سماواتی، پیروز (۱۳۸۵). *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تعبیر آن*. تهران: انتشارات نگاه بینه.
- عباسی، مصطفی (۱۳۸۲). *میانجیگری کیفری*. تهران، انتشارات دانشور.
- غلامی، حسین (۱۳۸۵). *عدالت ترمیمی*. تهران: انتشارات سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). *فلسفه حقوق*. چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- گسن، ریموند (۱۳۷۶). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۹: ۶۰۵-۶۲۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه بخش جزایی*. چاپ سی و هشتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصدق، محمد (۱۴۰۱). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: انتشارات مجد.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۱). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». *مجله قضاوت*، ۳۱: ۳-۳۸.
- نجفی توانا، علی (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی*. چاپ دوم، مشهد: آوای حکمت.
- ویلیامز، فرانک پی و مک شین ماری، لین. دی (۱۳۸۶). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Habili, E (2016). "The Modern Paradigm of Criminal justice: Restorative Justice". *Global Journal of Politics and Law Research*, 4(1): 51-63.

- Sherman & Strang. H, (1997). *The Right Kind of Shame for Crime Prevention*. Australian Institute of Criminology Canberra University.